



Reexamination of Judicial Victimology in Iranian and American Criminal Policy with Emphasis on Murder

Leila Soleymani¹, Abbas Shiri^{*2}, Karim Salehi¹

1. Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

2. Department of Criminal Law and Criminology, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 239-253

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0001-8025-2607

TELL: +982188549131

Email: ashiri@ut.ac.ir

Article history:

Received: 28 Jan 2025

Revised: 20 Apr 2025

Accepted: 31 May 2025

Published online: 22 Jun 2025

Keywords:

Victim, Murder, Criminal Policy, Crime Detection, Scientific Criminology.

ABSTRACT

Forensic victimology emphasizes the issue of victimization in a specific way with the aim of discovering the crime, convincing the judges of the courts in the judicial process, proving the crime and ensuring criminal justice. In the crime of murder, due to the unfortunate effects, this science has a special place. In this type of crime, discovering the technical issues of the crime and the reasons for the crime, as well as scientific research into how the crime was committed, is of great importance. Criminal courts always believe that in convincing the conscience, criminological approaches to discovering the crime and the scientific study of victimization and identifying specific victims must be followed. These approaches are more applicable in serial murders. In this type of murders, the killer has psychological satisfaction and motivation to commit the crime and usually acts either with the aim of rape and sexual contact or to vent anger, hatred, excitement, financial gain and attraction. The role of victimization in this type of crime requires forensic victimology due to the psychological problems, self-centeredness and lack of thinking and concentration of the criminal. In this research, which was compiled using a descriptive-analytical method, a study of the criminal policy of Iran and the United States showed that the criminal systems of both countries seek to empower the criminal justice system in order to achieve the rights of victims of murder and to scientifically study victimization in specific crimes such as murder with the aim of providing the fundamental principles of criminal proceedings in proving the crime, discovering the truth, and compensating for the damages caused.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Soleymani, L; Shiri, A & Salehi, K (2025). "Reexamination of Judicial Victimology in Iranian and American Criminal Policy with Emphasis on Murder". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(2): 239-253.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

بازکاوی بزه‌دیدة‌شناسی قضایی در سیاست جنایی ایران و آمریکا با تأکید بر بزه قتل

لیلا سلیمانی^۱، عباس شیری^{۲*}، کریم صالحی^۱

۱. گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤؤل)

چکیده

بزه‌دیدة‌شناسی قضایی به مسأله بزه‌دیدگی به‌نحو خاص با هدف کشف بزه، اقناع دادرسان دادگاه‌ها در فرآیند رسیدگی قضایی، اثبات بزه و تأمین عدالت کیفری تأکید دارد. در بزه قتل، باتوجه به آثار ناگوار، این علم جایگاه ویژه‌ای دارد. در این نوع بزه، کشف مسائل فنی بزه و دلایل وقوع بزه و نیز تحقیقات علمی در چگونگی ارتکاب بزه از اهمیت بالایی برخوردار است. دادگاه‌های کیفری همواره بر این باورند که در اقناع وجدان، ناگزیر باید از رویکردهای جرم‌شناسانه کشف جرم و مطالعه علمی بزه‌دیدگی و شناخت بزه‌دیدگان خاص پیروی کرد. این رویکردها در قتل‌های زنجیره‌ای کاربرد بیشتری دارند. در این نوع قتل‌ها، قاتل دارای رضایت روانی و انگیزه برای ارتکاب بزه و معمولاً یا با هدف تجاوز و تماس جنسی و یا تخلیه خشم، نفرت، هیجان‌جویی، سود مالی و جلب اقدام می‌کند. نقش بزه‌دیدگی در این نوع بزه، به‌علت مشکلات روانی، خودمحوری و عدم تفکر و تمرکز بزهکار، نیاز به بزه‌دیدة‌شناسی قضایی خواهیم داشت. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی گردآوری شده است، مطالعه در سیاست جنایی ایران و آمریکا نشان داد که نظام کیفری هر دو کشور در پی توانمندسازی نظام عدالت کیفری در راستای احقاق حقوق بزه‌دیدگان بزه قتل و مطالعه علمی بزه‌دیدگی در بزهکاری خاص مانند بزه قتل با هدف تأمین اصول بنیادین دادرسی کیفری در اثبات بزهکاری، کشف حقیقت و جبران صدمات وارده می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۳۹-۲۵۳

اطلاعات نویسنده مسؤؤل

کد ارکید: ۲۶۰۷-۸۰۲۵-۰۰۰۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۲۱۸۸۵۴۹۱۳۱+

ایمیل: ashiri@ut.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

بزه‌دیدة، قتل، سیاست کیفری، کشف بزه، جرم‌شناسی علمی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

موضوع بزهدیده‌شناسی قضایی یا قانونی، از جمله موضوعات نوین علوم جنایی است که در سال‌های اخیر در سطح بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها وارد شده است. پیش‌تر ضرورت رعایت حقوق بزهدیدگان به‌عنوان قربانیان بزهکاری، تحقق خدمت‌رسانی و حمایت‌های قضایی به بزهدیدگان خصوصاً در بزهدی‌های خشن مانند قتل، این ضرورت را توجیه نمود که قانون‌گذاران داخلی کشورها تمهیداتی را در نظر گیرند تا بتوانند حمایت‌هایی به‌نحو مستقیم و غیرمستقیم از قربانیان بزهکاری پیش‌بینی کنند.

از جمله این تمهیدات رویکردهایی بود که بعدها با عنوان بزهدیده‌شناسی قضایی نام‌گذاری شد. این نوع بزهدیده‌شناسی به‌عنوان شاخه‌ای از جرم‌شناسی کاربردی در ابعاد مختلف خود در پی حمایت از بزهدیدگان برخاسته و بدین‌سان در بزهکاری‌های خاص که آسیب جدی به جامعه و قربانیان وارد می‌آورند، مؤثر واقع افتاد (هاشمی، ۱۳۸۷: ۸۵). این نوع بزهدیده‌شناسی که گاه بزهدیده‌شناسی قانونی نامیده می‌شود، یکی از رهیافت‌های نوین دانش بزهدیده‌شناسی و یک گرایش کاربردی از این حوزه مطالعه بزه است که با ماهیت مرتبط با تحقیقات علوم جنایی، در دهه‌های اخیر، در راستای کمک به بهبود سرعت و صحت فرآیند رسیدگی‌های قضایی، تحقیقات جنایی، کاهش هرچه بیشتر اشتباهات قضایی، بالابردن دقت در رسیدگی‌های کیفری و افزایش توان اثباتی و جرم‌یابی بزهکاری‌ها در مرحله دادرسی دادگاه (کشف حقیقت) همچنین پیشگیری از وقوع بزه است، زیرا در برخی مطالعات نشان داده شده است که یکی از اهداف بنیادین بزهدیده‌شناسی قضایی، کاهش اشتباهات قضایی و پیشگیری از وقوع بزهکاری است (شیخ‌الاسلامی و شاهیده، ۱۳۹۷: ۲۱۳)، البته در راستای موضوع بزهدیده‌شناسی قضایی میان حقوق‌دانان و اندیشمندان علوم جنایی همواره نظرات مختلفی ارائه شده است که این چندگانگی اندیشه سبب شد این رشته نوین از جرم‌شناسی، آنچنان‌که باید و شاید، نتواند در حقوق کیفری کشورها دارای وصف مطلوب باشد. به‌عنوان نمونه در کشورهای مختلف، نظام عدالت کیفری رویکردهای گوناگونی در حمایت از بزهدیدگان دارند. برخی نویسندگان حقوق کیفری داخلی از این رویه با

عنوان سیاست‌گذاری جنایی درباره حقوق بزهدیدگان یاد کرده‌اند (شیری، ۱۳۹۷(الف): ۱۷۵-۱۶۱)، به‌گونه‌ای که در برخی موارد، بزهدیدگانی که گاه از استفاده از حمایت نظام عدالت کیفری امتناع می‌کنند، شیوه‌های برخورد با چنین بزهدیدگانی نیز متفاوت خواهد بود؛ شاید به این سبب باشد که در حقوق آمریکا در حمایت از انواع بزهدیدگان در عصر جدید رویکردهای نوین پیش‌بینی شده است و یا این‌که ماهیت رابطه بزهدیده و بزهکار با توجه به نوع و کیفیت بزهکاری‌ها (قتل، تجاوز، خشونت خانگی و ...) سیاست‌های پلیسی متغیر است، به‌گونه‌ای که ارزیابی نهادهای قضایی و انتظامی در مقابل این بزهدی‌ها در مقایسه با دیگر بزهکاری‌ها کلاً متفاوت است. بر این اساس در برخی بزهکاری‌ها مانند قتل که قربانی بزه از صحنه جرم به‌طور کلی محو می‌شود، شیوه‌های تحقیقات جنایی نظیر معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی، تحقیق از شهود و مطلعان و رویکردهای بزهکارمحور در بررسی صحنه جرم نیازمند برخی الگوها خواهد بود که بزهدیده‌شناسی قضایی به مقدار قابل توجهی توانسته است این فرآیند را تأمین نماید. اهمیت این هم‌پوشانی در قتل‌های سریالی یا سازمان‌یافته بیشتر خواهد بود، زیرا در این وضعیت، ارزیابی صحت و سقم اظهارات بزهدیده، دلایل و مدارک ارائه‌شده در اجرای عدالت کیفری تأثیر شگرفی دارد و به‌منظور ترسیم نیم‌رخ جنایی بزهدیده، در راستای کشف حقیقت در فرآیند رسیدگی‌های کیفری و عدالت قضایی، تحلیل علمی بزهدیدگان خاص و یا گروهی از بزهدیدگان با ویژگی‌های مشترک با بزه قتل و مشخصاً قتل‌های زنجیره‌ای، ناگزیر باید به بزهدیده‌شناسی قضایی توجه ویژه‌ای شود (شیری، ۱۳۹۷(ب): ۲۱۵).

در این پژوهش در نظر خواهیم داشت که بزهدیده‌شناسی قضایی را در بزه قتل در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا را بررسی نماییم. با این مشخصه که بزهدیده‌شناسی قضایی در بزه مزبور در نظام‌های مورد مطالعه با چه رویکردی همراه است. همچنین مبنای بزهدیده‌شناسی قضایی در این نوع بزه با لحاظ قوانین و مقررات کیفری دو کشور ایران و آمریکا به چه نحو می‌باشد. خواهیم دید که در ایران و آمریکا بیشتر تحولات بزهدیده‌شناسی قضایی در سال‌های اخیر خصوصاً در حقوق آمریکا موجب به‌رسمیت‌شناختن حقوق ویژه‌ای برای بزه

که از سوی انسان صورت می‌گیرد که علت موجهه یا اجرای حقی، عمل او را توجیه نمی‌کند و در قانون برای آن مجازات تعیین شده است (زراعت، ۱۳۹۳: ۳۹). قسمت اخیر این تعریف، عیناً منطبق با تعریف ارائه‌شده از جرم در حقوق کیفری ما است.

قانون‌گذار در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) جرم را هر عملی دانسته است که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، اعم از فعل یا ترک فعل. هرچند برخی حقوق‌دانان در این باره معتقدند که قانون‌گذار باید مفهوم نظم اجتماعی و ورود لطمه به آن را نیز مد نظر داشته باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۹: ۲۰۰). در حقوق آمریکا، «جرم» از دیدگاه‌های مختلفی تعریف شده است. به‌عنوان مثال، «اسمیت» جرم‌شناس آمریکایی جرم را رفتاری ضداجتماعی می‌داند که دولت، آن را برای ضرری که به خود و جامعه وارد می‌کند، جرم‌انگاری کرده است (حومد، ۱۹۷۵: ۵۱). برخی دیگر جرم را بر مبنای نوع، کیفیت و ماهیت آن تعریف کرده‌اند.

به‌عنوان نمونه جرم را نوعی نفرت می‌دانند که در عواقب آن به‌شکلی مشهود باعث ستم‌دیدن یک گروه می‌شود. این گروه تعریف اخیر را نشأت‌گرفته از احکام کلیسایی دانسته و پیش‌تر آن را از سال ۱۹۸۰ به این‌سو مطرح کرده‌اند. به این دلیل است که مثال عمده این گروه شکنجه مسیحیان توسط رومان‌ها و کشتار یهودی‌ها توسط نازی‌ها گفته شده است (Boeckmann & Carolyn, 2002: 207-225).

۲-۱- مفهوم بزه‌دیده

از «بزه‌دیده» در ادبیات حقوقی تعاریف مختلفی ارائه شده است، اما به‌طور رایج در این‌که بزه‌دیده شخصی است که از بزه متضرر شده یا بزه علیه وی حادث شده است، میان نویسندگان و حقوق‌دانان اتفاق نظر وجود دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۲۳۱). شاید در نگاه اول به‌نظر برسد این تعریف مبین مفهوم کلی «بزه‌دیده» باشد، اما با کمی تأمل خواهیم دید که در شمول دایره این مفهوم و صدق آن بر افراد محدود، عیوب تعریف بسیار است، زیرا در تعریفی دیگر از بزه‌دیده گفته شده است، بزه‌دیده شخصی است که در پی رفتار انسانی که بزه‌کار نام دارد، متضرر، مجروح، مضروب یا به قتل رسیده است که

دیدگان به‌ویژه در بزه قتل شده است. باوجود این‌که در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا این حقوق متغیرند، اما در نقطه یکسان، قانون‌گذاران دو کشور در مسأله کشف حقیقت یا اثبات بزه‌کاری در بزه قتل توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- مفهوم بزه

«بزه» از دریچه‌های مختلفی قابل تعریف است. به‌عنوان مثال در فقه جزایی اسلام، جرم عبارتست از انجام‌دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع مقدس آن را منع کرده است. به دیگر تعبیر در فقه اسلام، افعال و اقوالی جرم محسوب می‌شوند که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی حق تعالی باشد (مانند انجام کارهای زشت و ناپسند موضوع آیه ۱۲ سوره مائده یا ۴۸ سوره قمر).

از این‌رو، امام خمینی (ره) «جرم» را شامل هر فعل حرام یا ترک واجب دانسته‌اند؛ با این وجود، ایشان جرم را برای گناهان کبیره استعمال کرده‌اند. ایشان در تحریرالوسیله چنین گفته‌اند: «هرکس یکی از واجبات را ترک کند و یا یکی از محرمات را انجام دهد، به امام معصوم یا نایب وی است که وی را به کیفر تئزیر برساند، به شرطی که فعل حرام از گناهان کبیره باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ۳۲۰/۲). برخی دیگر بدون لحاظ وصف «گناهان کبیره» جرم را مخالفت با اوامر و نواهی قرآن و سنت، یا ارتکاب عملی دانسته‌اند که به تباهی فرد یا جامعه بیانجامد و برای هر نوع آن که شارع تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر (حاکم اسلامی) یا قاضی سپرده است (گرگی، ۱۳۵۵: ۱۲۶).

در اصطلاح جرم‌شناسی، «جرم» مفهومی فراتر از انجام کارهای مغایر با نواهی شارع یا ارتکاب فعل حرام و گناه دارد، زیرا از منظر جرم‌شناسی، شناخت جرم برای جامعه‌شناسی نیز اهمیت فراوان دارد. به همین دلیل جرم‌شناسان در مطالعه جرم به دانش آن توجه می‌کنند. بنابراین آنچه در مفهوم اصطلاحی جرم جلوه عینی پیدا می‌کند نه‌فقط جنبه‌های حقوقی، بلکه جنبه‌های اجتماعی، قانونی و قضایی نیز خواهد بود (زراعت، ۱۳۹۳: ۳۹). بدین‌سان «روسو» جرم را هر عملی که مخالف اخلاق و عدالت باشد، تعریف کرده است؛ «کرارا» جرم‌شناس ایتالیایی، جرم را نقض نواهی قانونی یا اعمال خارجی می‌داند

اطلاق می‌گردد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در اثر وقوع بزه‌ای که بزه‌کار مرتکب آن شده است، متحمل ضرر مادی یا معنوی یا آسیب جسمانی یا حیثیتی شده است (مطابق قانون حقوق بزه‌دیده آمریکا) (شیری، ۱۳۸۸: ۴۲۶). بر این اساس بزه‌دیدگان به بزه‌دیدگان اولیه یا مستقیم که بدون واسطه و مستقیم آسیب می‌بینند (مانند بزه تجاوز) و ثانویه یا غیرمستقیم تقسیم می‌شوند (مانند بستگان مقتول در بزه قتل). همچنین مطابق نظامات قانونی در حقوق آمریکا (قانون CVRA در بخش E) بزه‌دیده، شخصی معرفی شده است که به‌طور مستقیم و بلافاصله در اثر ارتکاب جرم فدرال یا یک جرم در ناحیه کلمبیا صدمه دیده است (هاشمی، ۱۳۸۷: ۸۹-۸۸). مطابق این تعریف، بزه‌دیده نمی‌تواند بستگان مقتول در بزه قتل باشد، زیرا مستقیم نتیجه بزه شرط صدق تعریف است، اما به‌نظر می‌رسد بزه‌دیده گاهی نمی‌تواند به‌طور غیرمستقیم موضوع تعریف قرار گیرد، خصوصاً در آسیب‌های روحی و روانی یا رنج‌های ناشی از دست‌دادن نزدیکان و افراد خانواده. بنابراین در مفهومی جامع از بزه‌دیده به‌نظر مناسب‌تر است که نتیجه وقوع بزه برای صدق تعریف بر بزه‌دیده، وقوع بزه به‌شکل مستقیم یا غیرمستقیم موضوع بررسی و مطالعه قرار گیرد.

۱-۳- مفهوم قتل و انواع آن

واژه «قتل» در لغت به‌معنای ازاله روح از بدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۵۵) و از بین رفتن زندگی (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۹۳) آمده است. در اصطلاح فقه جزایی، قتل، عملی دانسته شده است که ادامه زندگی انسان را از بین برده و به مرگ وی منجر می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۹۳) به همین دلیل، در ارتکاب قتل، همواره یک قاتل و یک مقتول متصور است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۵۵).

به‌طور رایج هرگاه سخن از قتل می‌شود، در بادی سخن منظور قتل عمد است، زیرا در «قتل عمد» از هاق روح فرد بی‌گناه منظور قاتل است، درحالی‌که در قتل‌های غیرعمدی و خطای محض عنصر قصد با خدشه مواجه است (فقدان سوءنیت مجرمانه)، بنابراین در قتل عمدی، سلب حیات برخلاف قانون و به بیان ساده، سلب حیات افراد با اراده، اختیار و عمد قاتل

مفهوم جامع‌تری است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ۱۱). برخی دیگر گفته‌اند: «بزه‌دیده شخصی است که به‌دنبال رویداد یک جرم، آسیب و زیان یا رنج و آزار می‌بیند» (شیری، ۱۳۹۷: (ب): ۷۶). این تعریف در ادبیات پارسی با معنای «قربانی‌شدن» مورد سنجش قرار می‌گیرد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

برخی دیگر نیز گفته‌اند: «بزه‌دیده عنصری مهم در فرآیند کیفری است که به‌دنبال وقوع یک جرم، دچار آسیب بدنی، روانی و مالی شده است» (خداخواه، ۱۳۹۷: ۱۵۰). «هانس فون هنتیگ» (پدر علم بزه‌دیده‌شناسی) بزه‌دیده را چنین تعریف کرده است: «بزه‌دیدگان کسانی هستند که به‌طور فردی یا گروهی، متحمل خسارت شده‌اند» (این خسارت به‌ویژه در زمینه‌های مربوط به آسیب جسمانی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و واردشدن لطمه بزرگی به حقوق اساسی افراد می‌باشد) (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۶).

برخی گفته‌اند: «بزه‌دیده‌شناسی به‌عنوان یک رشته مستقل از سوی مندلسون و به‌عنوان یک گرایش جرم‌شناسی از سوی فُن هنتیگ مطرح شده است» (شیری، ۱۳۹۸: ۱۹۶). بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که مفاهیم نوین بزه‌دیده یا مجنی‌علیه همگی برگرفته از این رویکرد بوده‌اند. برخی گفته‌اند واژه بزه‌دیده‌شناسی و بعدها بزه‌دیده اولین بار توسط استاد علی‌حسین نجفی ابرندآبادی در ترجمه کتاب جرم‌شناسی نوشته ژرژ پیکا در سال ۱۳۶۸ به‌کار برده شد و بعدها مرحوم مهدی‌کی‌نیا نیز از این اصطلاح استفاده کردند و رفته‌رفته این واژه وارد ادبیات کیفری حقوق ایران گشت (شیری، ۱۳۹۸: ۱۹۶). همچنین مطابق ماده ۱ بخش «الف» از اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان (مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوب ۱۹۸۵) بزه‌دیدگان اشخاصی نامیده شده‌اند که در پی فعل یا ترک فعل‌های ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو، از جمله قوانینی که سوءاستفاده‌های مجرمانه از قدرت را ممنوع کرده‌اند، به‌صورت فردی یا گروهی، به آسیب، از جمله آسیب بدنی و روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده‌اند.

در حقوق آمریکا به‌عنوان نظام مورد مطالعه در این پژوهش «بزه‌دیده» به‌عنوان یکی از طرفین واقعه مجرمانه به شخصی

که قتل عمدی در جریان یکی از جنایت‌های مصرح جزایی صورت می‌گیرد، مانند کشتن انسانی با فعل خطرناک غیرعامدانه. عنصر روانی در این نوع قتل بی‌اعتنایی به حیات انسان است، هرچند شخص قاتل واقعاً قصد کشتن انسان را نداشته باشد؛ با این مشخصه که قتل عمدی ناشی از ایراد صدمات بدنی شدید یا قتل عمدی ناشی از بی‌پروایی شدید و قتل عمدی جنایی در جریان یکی از جنایات غیرمصرح مصادیق قتل‌های عمدی درجه ۲ است (آرلوف، ۱۳۸۷: ۱۱۷-۱۱۶).

۱-۴- مفهوم بزه‌دیده‌شناسی قضایی

صرف نظر از گونه‌های کلی بزه‌دیده‌شناسی شامل بزه‌دیده‌شناسی اولیه و ثانویه و تقسیم‌بندی‌های جزئی مانند بزه‌دیده‌شناسی علمی، بزه‌دیده‌شناسی بالینی و ...، بزه‌دیده‌شناسی قضایی یا قانونی شاخه‌ای از بزه‌دیده‌شناسی کاربردی است که به مطالعه علمی بزه‌دیدگی و بزه‌دیدگان خاص و معین و با هدف کشف حقیقت در فرآیند رسیدگی‌های کیفری و عدالت قضایی می‌پردازد. به عبارت دیگر، در بزه‌دیده‌شناسی قضایی، مطالعه قانونمند بزه‌دیدگان، بزهکاری‌ها با هدف سرنخ‌دهی به مسائل مرتبط با پلیس علمی و تحقیق راجع به چگونگی رخ‌دادن بزهکاری است. اهمیت این نوع بزه‌دیده‌شناسی در واقع مربوط به زمانی است که شناسایی بزهکاران دشوار یا به‌دست‌آوردن سرنخ مشکل توصیف شود. به‌عنوان مثال، در جرایمی مانند قتل‌های سریالی یا زنجیره‌ای، در زمانی کوتاه ممکن است افرادی مفقود شوند و بعضاً اجساد قربانیان نیز پیدا نشود. در این حالت، پلیس با خانواده‌های قربانیان متعدد مواجه خواهد شد و واقعاً بیان پاسخ قانع‌کننده به این افراد مشکل خواهد بود و چه‌بسا این پاسخ به‌علت تراکم تحقیقات یا دشواری در حصول سرنخ با پرخاشگری یا پاسخ‌های نامساعد توأم گردد. در این حالت، بزه‌دیده‌شناسان قضایی با ورود به ماجرا و بررسی صحنه جرم و آثار به‌جامانده، یعنی مکانی که برای آخرین بار مقتولان در آنجا مشاهده شده‌اند و مکان‌هایی که اجساد در آنجا کشف شده‌اند، به سرنخ‌های مهمی دست پیدا کنند، مانند پرونده قتل‌های زنجیره‌ای «مهمین قدیری» که این نوع بزه‌دیده‌شناسی در نهایت منجر به شناسایی قاتل گردید (شیری، ۱۳۸۸: ۲۱۹-۲۱۸). به این سبب،

همراه است (قانون‌گذار اسلامی در ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) نیز همین منظور را اختیار کرده است).

در فقه جزایی نیز قتل عمدی به هرگونه قصد و نتیجه‌ای اطلاق می‌گردد که همراه با ازهراق نفس معصوم همراه باشد که این معنا در دیگر مصادیق قتل صدق نمی‌کند، زیرا در خطای محض عنصر قصد به‌طور کلی مفقود و در قتل غیرعمدی نیز قصد به‌طور نسبی وجود ندارد (در این نوع قتل ممکن است قصد فعل وجود داشته باشد، اما به‌طور قطع قصد نتیجه مفقود است) در حقوق آمریکا برخلاف حقوق ایران قتل به سه گونه عمدی، شبه‌عمد یا غیرعمد و خطای محض نیست، بلکه قتل به دو گونه عمد درجه ۱ و عمد درجه ۲ تقسیم می‌شود. در قتل عمد درجه ۱ معمولاً سوءنیت قبلی یا سبق تصمیم در آن وجود دارد. در قتل عمدی درجه ۲ نیاز به اثبات این موضوع است که متهم محکوم به ایجاد خطر حتمی یا رفتار شدید (فعل نوعاً کشنده) وجود دارد، البته سوءنیت در اینجا به‌معنای سوءنیت همراه با سبق تصمیم به مفهومی که در نظام حقوقی کامن‌لا مرسوم است، نمی‌باشد، اما به‌طور کلی در ایالات متحده آمریکا قتل غیرعمدی به‌عنوان یک جرم به رسمیت شناخته شده است، علاوه بر این، در حقوق جدید این کشور، قتل غیرعمد به موردی اطلاق می‌گردد که فردی در نتیجه ترک محل مسؤولیت موجب مرگ دیگری شناخته شود، البته در حقوق آمریکا قانون‌گذار آمریکایی سعی کرده است با تفکیک نوع فعل یا رفتار مجرمانه منجر به قتل نفس، قتل عمد درجه ۱ را به قتل عمد جنایی و قتل غیرعمد تقسیم‌بندی کند.

در قتل عمدی ناشی از بی‌پروایی شدید، هرچند مرتکب قصد قتل دارد، ولی ممکن است قصد ایراد صدمه بدنی را نداشته باشد، اما با انجام رفتاری که متضمن خطری شدید است، برای حیات انسان دیگر (مقتول) فعل نوعاً کشنده ایجاد کند (اسمپ، ۱۳۸۳: ۵۸)، البته به‌نظر می‌رسد تقسیم‌بندی نوع قتل در آمریکا برخلاف حقوق ایران بیشتر به‌منظور تحدید بیشتر مجازات‌های سخت مانند مرگ، برای قتل عمدی درجه ۱ و مجازات اخف تر برای قتل عمدی درجه ۲ است که در فرض نخست، معمولاً قتل با قصد قبلی (فعل و نتیجه) و در فرض اخیر زمانی است

در سیاست جنایی ایران به تبع تلاش‌های بین‌المللی در جهت شناخت بزه‌دیده‌شناسی، نوآوری‌ها و تحولاتی در سیاست جنایی ایجاد گردید؛ عمده این تحولات در راستای بزه‌دیده‌شناسی قضایی یا قانونی بود، از جمله مواردی همچون تشکیل پرونده شخصیت، لحاظ علم قاضی برای اثبات بزه، ملاک نظریه پزشکی قانونی در کشف و احراز بزه، استفاده از نظرات تخصصی کارشناسان و مأموران جنایی اثبات بزه، نظر مددکاران اجتماعی و ... این هدف کاربردی برای اولین بار به نظر در ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق استفاده شد که در آن، قانون‌گذار به‌جای واژه «مجنی‌علیه» از واژه «بزه‌دیده» بهره گرفت.

ولی با وجود تمهید این مقدمات، به نظر می‌رسد رویکرد قانون‌گذار بیشتر جنبه حمایتی داشت تا بزه‌دیده‌شناسی، اما رفته رفته این نگرش به مباحث مهمی تبدیل شد که نقطه عطفی در سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، از جمله توجه به اعمال و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده، تقصیر وی در بروز بزه، علت‌یابی بزه و تبیین نقش بزه‌دیده در تحریک بزهکار و لحاظ تعامل اجتماعی افراد در ارتکاب بزه‌هایی که جامعه نسبت به آن‌ها حالت ترس به خود می‌گیرد، مانند قتل (پاروش، ۱۳۸۷: ۵۱). در قانون مجازات اسلامی در این راستا قانون‌گذار اسلامی بیشتر سعی کرده است که بزه‌دیده‌شناسی قضایی را بر مبنای فعل و کردار بزه‌دیده در نظر گیرد، زیرا با پیش‌بینی نهادهایی همچون دفاع مشروع، بیان تقصیر بزه‌دیده، بی‌احتیاطی، مسؤولیت مؤثر در ارتکاب بزه، تحریک افراد به ارتکاب بزه و ... هدف فردی کردن مجازات مبنای بزه‌دیده‌شناسی قانونی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این طرز تفکر نیز ناشی از ذهنیتی باشد که خطر بزهکاری‌ای را که با تحریک بزه‌دیده ایجاد می‌گردد، بسیار بیشتر از بزهکاری‌ای در نظر گرفته شده است که با سوءنیت قبلی و با تهیه مقدمات به ارتکاب بزه صورت گرفته است.

با این تفکر از بزه‌دیده‌شناسی، مقصد دانستن بزه‌دیده می‌تواند دارای نتایج سوئی باشد که راه را برای حمایت از وی در فرآیند نظام عدالت کیفری با خطر مواجه کند، زیرا اگر بزه‌دیده احساس نکند که با وی رفتار درستی خواهد شد، ممکن است

بزه‌دیده‌شناسی قضایی با تحقیقات جنایی ارتباط مستقیم پیدا می‌کند. از این حیث که بزه‌دیده‌شناسی قضایی، دانش مطالعه علمی بزه‌دیدگان با هدف بررسی و مطالعات موضوعات / تحقیقات جنایی می‌باشد (E. Brent & Wayne, 2009: 13).

در حقوق آمریکا بزه‌دیده‌شناسی تحولات عظیمی را در این چند دهه تجربه کرده است. به‌عنوان نمونه، در حقوق آمریکا در راستای اجرای برنامه‌های توانمندسازی حمایت از بزه‌دیدگان حقوق مختلفی برای آن‌ها در نظر گرفته‌اند، از جمله حق حمایت از بزه‌دیده در مقابل متهم، حق اطلاع از هرگونه جلسات دادرسی، حق حضور در همه جلسات دادرسی، حق استماع اظهارات وی، حق مشاوره با وکیل دولت، جبران به‌موقع و کامل خسارت و نیز حق رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده و ... (هاشمی، ۱۳۸۷: ۹۲-۹۱). همچنین بزه‌دیده‌شناسی قضایی در حقوق آمریکا با توجه به معنایی شکل گرفته است که بزه‌دیده‌شناسی و حمایت از بزه‌دیده، از جمله عناصر بااهمیت و ضروری تمام فرآیند دادرسی کیفری به‌شمار می‌رود، به‌گونه‌ای که از نظرات متخصصان، پزشکان قانونی، کارشناسان جرم، مددکاران اجتماعی، کارآگاهان و پلیس‌های جنایی برای پی بردن به دلایل کافی برای کشف حقیقت، اثبات جرم و دستیابی به نتیجه مطلوب بهره‌جسته‌اند. برخی نویسندگان تحقق عدالت کیفری در راستای حمایت از بزه‌دیده را با عنوان حقوق تحقیقات جنایی تعریف و در راستای حمایت از بزه‌دیده به این نهاد گرایش یافته‌اند (شیری، ۱۳۹۷: ۱۱۶-۱۱۳). همچنین در حقوق این کشور، بزه‌دیده‌شناسی قضایی به مانند حقوق ایران هدف از این رویکرد جرم‌شناسانه کشف حقیقت و مطالعه علمی بزه‌دیدگی و شناخت بزه‌دیدگان خاص و معین می‌باشد، مانند قتل‌های سریالی یا تجاوزهای گروهی و یا ارتکاب بزهکاری علیه افراد سالخورده، زنان، کودکان، سالمندان، افراد معلول و ناتوان و ... برخی نویسندگان این وضعیت را موقعیت خاص بزه‌دیدگی نامیده‌اند که به اقتضای موضوع می‌توانند سبب افزایش حالت مجرمانه یا گسترش بزهکاری در محیط و فضای خاصی منجر شوند، مانند سن و جنسیت بزه‌دیده و مواردی از این قبیل (شیری، ۱۳۹۷: ۲۲۷).

۲- تکوین و توسعه بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه قتل

جدید نظام عدالت کیفری آمریکا از سال ۱۹۸۲ میلادی به این سو با ارائه طرحی به نام «نیروی ضربت رییس جمهوری درباره عدالت برای بزه‌دیدگان» با هدف یافتن راه‌های کمک به بزه‌دیدگان جرایم خصوصاً جرایم خشن، مانند قتل شکل خاصی به خود گرفت.

سیاست جنایی آمریکا در این برهه دریافت که بزه‌دیدگان به گروهی از شهروندان تبدیل شده‌اند که همواره از سوی نظام عدالت کیفری که برای حفاظت از آن‌ها طراحی شده است، قربانی شده‌اند. در واقع، مشارکت آن‌ها چه به‌عنوان قربانی بزه و چه به‌عنوان شاهد یا مطلع همواره مورد غفلت نظام عدالت کیفری قرار گرفته است (سیگل، ۱۳۸۵: ۱۷۶). بنابراین قابل پیش‌بینی بود که سیاست جنایی آمریکا در راستای حمایت از بزه‌دیدگان چنین بزه‌کاری‌هایی، اقدام درخور برای دفاع از حقوق بزه‌دیدگان انجام دهد. علاوه بر این، نیروی ضربت رییس جمهوری آمریکا با صدور بیانیه‌ای، حقوقی را نیز برای بزه‌دیدگان پیشنهاد داد، از جمله حق آگاه‌شدن بزه‌دیده از فرآیند رسیدگی‌های کیفری، حضور در همه مراحل فرآیندهای عدالت کیفری فدرال و ایالتی و همچنین استماع کلیه اظهارات وی تا اندازه‌ای که این حقوق با حقوق موجود مبتنی بر قانون اساسی قدرال تعارض نداشته باشد.

همچنین درجهت بزه‌دیده‌شناسی قضایی در این برنامه بر تمهیداتی همچون حمایت حداکثری از بزه‌دیده و شهود در مقابل هرگونه تهدید از سوی متهم، لزوم جبران خسارت در پرونده‌های کیفری، گسترش راهبردهایی برای رفتار منصفانه با بزه‌دیدگان و شهود و همچنین توسعه برنامه‌های مربوط به پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان. در راستای تلاش بیشتر درجهت حمایت از بزه‌دیدگان قتل در حقوق آمریکا، قانون بزه‌دیدگان در سال ۱۹۸۴، یعنی دو سال پس از طرح حمایتی ریاست جمهوری (دونالد ریگان) وضع گردید.

در این قانون، صندوق حمایت از بزه‌دیدگان پیش‌بینی شد. جرمه‌های کیفری فدرال، مجازات‌ها و مصادره‌ها را برای حمایت از بزه‌دیدگان ایالتی و برنامه‌های خدمات‌رسانی اجتماعی، فرهنگی و حقوقی را برای بزه‌دیدگان محلی به‌وجود آورد. همچنین این صندوق مجوزهایی را برای هر ایالت مقرر

در برابر نظام عدالت کیفری و مراکز حمایت از بزه‌دیدگان مانع ایجاد کند و در توسل به پلیس و دیگر مراکز حمایت از بزه‌دیدگان با تردید مواجه شود، هرچند که اتخاذ این رویه در قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) بیشتر در بخش تعزیرات است و در دیگر جرایم مانند دیات، قصاص و حدود بندرت و به‌شکل استثنایی شاهد چنین رویکردی هستیم، اما هرگاه حمایت از بزه‌دیده خصوصاً در بزه قتل (بخش قصاص) با نهادهای ارفاق‌آمیز توأم گردد، مانند سقوط مجازات، تبدیل مجازات، کیفیات مخففه، تعلیق مجازات یا با لحاظ تفسیر بزه‌دیده در این بزه‌ها مورد عنایت قرار گیرد، شاید نتوان از برنامه‌های حمایتی از بزه‌دیدگان بزه قتل در راستای بزه‌دیده‌شناسی قانونی سخن گفت، خصوصاً آن‌که هدف از بزه‌دیده‌شناسی قانونی یا قضایی کشف حقیقت در فرآیند تحقیقات مقدماتی و رسیدگی‌های کیفری، اعم از مراحل دادسرا و دادگاه است. همچنین در این رویکرد نو، ارزیابی صحت و سقم اظهارات بزه‌دیده به‌عنوان دلیل و مدرک اجرای عدالت باید لحاظ شود، درحالی‌که اگر منبای اولیه و پیش‌فرض احراز نقش تقصیر بزه‌دیده در نظام عدالت کیفری باشد، اجرای این هدف با تعذر مواجه خواهد شد، چون همان‌گونه که از لفظ «بزه‌دیده‌شناسی...» مستنبط است، سیاست جنایی در بروز بزه‌کاری به‌دنبال کشف علمی بزه با هدف احراز واقع و حمایت از بزه‌دیده در مقابل بزه‌کار است و نه صرف کشف بزه‌کاری به‌منظور احراز آمارهای مجرمانه یا شناخت دلایل ارتکاب بزه و یا بزه‌دیده‌شناسی محض.

در این راستا در حقوق آمریکا سیاست‌های کیفری در چند دهه اخیر تماماً به سمت و سویی رفته است که از بزه‌دیده حمایت‌های مادی و معنوی بسیاری در مقابل بزه‌کاری‌ها شده است، هرچند که بررسی برخی صفات و ویژگی‌های بزه‌دیده نیز در تشکیل پرونده شخصیت وی لحاظ می‌شود، مانند ویژگی‌های زیست‌شناسی، روان‌شناختی، اخلاقی، مشخصه‌های اجتماعی و فرهنگی بزه‌دیده و ...، اما تمام این ویژگی‌ها سبب نشده است که قانون‌گذار آمریکایی دست از حمایت بزه‌دیدگان خصوصاً در بزه‌ای خشن مانند قتل بردارد و یا حقوق وی را در نظام عدالت کیفری نادیده بگیرد. در اثبات این سیاست‌ها در حقوق آمریکا باید چنین گفت که تحولات

منظر کشف دلایل اثبات بزه و حمایت از بزه‌دیده مورد مطالعه قرار داد.

با این تفاوت که در حقوق آمریکا آنچه مقصود نظام عدالت کیفری است، بیشتر حمایت از بزه‌دیده در مقابله با بزه است، درحالی‌که در حقوق ایران این کشف حقیقت و اثبات بزه با توسل به دلایل علمی است تا حمایت از بزه‌دیده، اما به نظر می‌رسد در برخی موارد میان حقوق ایران و آمریکا در بزه‌دیده‌شناسی قضایی در مورد بزه‌دیدگان آسیب‌دیده در بزه‌هایی همچون قتل و تجاوز شباهت‌هایی وجود دارد، از جمله بحث کشف حقیقت یا اثبات علمی جرایم.

بر این اساس در حقوق ایران قانون‌گذار اسلامی برای حمایت از بزه‌دیده در بزه قتل (به‌طور غیرمستقیم) و تجاوز (به‌طور مستقیم) بیشتر سعی کرده است کشف حقیقت یا اثبات علمی بزهکاری را مبنای عمل قرار دهد، زیرا در بحث ادله کشف حقیقت در اثبات بزه‌های مزبور توجه خاصی مبذول کرده است. به‌عنوان نمونه به اقرار در مرحله تحقیقات مقدماتی یا مرحله رسیدگی دادگاه آثار خاصی بار آورده است. با این مشخصه که توان اثباتی اقرار تنها در ارتباط با امور موضوعی اثبات بزه است و نه امور حکمی و قانونی، زیرا وجود قانون نیاز به اثبات از سوی اصحاب دعوا ندارد و ترتب آثار حقوقی هر امری با در نظر گرفتن مقررات با مرجع قضایی است.

همچنین بحث تحولات راجع به مقررات شکلی اقرار براساس ماده ۳۱۹ از قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) که باوجود پذیرش اقرار به‌عنوان دلیل اصلی اثبات بزه، علم قاضی نیز در مرحله بالاتری جهت اثبات بزه در نظر گرفته شده است، البته اقرار در صورتی صحیح و معتبر تلقی می‌گردد که با توسل به اجبار یا اکراه حاصل نشده باشد (مواد ۶۰ و ۱۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری و اصل ۳۸ قانون اساسی). همچنین در جرایم منافی عفت قاضی مکلف است که عدم اقرار را به مقرر توصیه کند (تبصره ۱ ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری). علاوه بر این اقرار به‌عنوان یکی از عوامل مخففه در تعیین مجازات در مقررات جدید پیش‌بینی شده است (ماده ۱۹۵ همان قانون). علاوه بر اقرار در بحث اثبات بزه، شهادت شهود از دیگر سازوکارهای حمایتی از بزه‌دیده در مقررات کنونی ایران به‌شمار

کرد تا از بزه‌دیدگان جبران خسارت کنند و در بحران‌های مداخله و حقوق کارکنان ارائه‌دهنده خدمات به بزه‌دیدگان را پرداخت کنند. همچنین برنامه‌هایی برای کمک به بزه‌دیدگان جرایم خشن داشته باشند.

در همان سال در سطح فدرال در آمریکا اداره بزه‌دیدگان تأسیس شد، با هدف مبارزه برای رفتار منصفانه با بزه‌دیدگان، آموزش تخصصی در بهبود وضعیت حقوق بزه‌دیدگان، ارائه خدمات به آن‌ها و پرداخت غرامت در کشور نسبت به بزه‌دیدگان. همچنین وظیفه این گروه عبارت از کمک به فراهم کردن عدالت التیام‌بخشی برای بزه‌دیدگان در نظر گرفته شد (هاشمی، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۶).

به‌طور کلی، این برنامه‌ها چند هدف عمده را دنبال می‌کردند: نخست، ترسیم تمام‌رخ الگوی بزه‌دیدگی و کشف فهرستی از ویژگی‌های جامع بزه‌دیده، مانند شرایط فیزیکی، زیستی، ذهنی، آموزشی، شغلی، شخصیتی و ...، با این هدف که هنگام بزه دیدگی تلاش شود تا ضمن برآورد نیم‌رخ جنایی بزهکار استانداردهایی جامع و فراگیر برای کشف زودتر بزه‌های خشن مانند قتل ایجاد و همچنین با شناسایی الگوهای پنهان و مشکوک بزه‌دیدگی به پیشگیری از بزه کمک شود (بزه‌دیده‌شناسی پیشگیرانه)؛ دوم، مطالعه و تعیین ویژگی‌های منحصر به فرد بزه‌دیدگان خاص در مواقع بروز آسیب مد نظر قرار گیرد (بزه‌دیده‌شناسی هنجارمند)؛ سوم، کشف الگوهای بزه دیدگی، چرایی مطلوبیت تکرار این الگوها و پیش‌بینی الگوهای رفتاری و فکری بزهکاران متمایل به ایجاد بزه‌دیدگی (بزه‌دیده‌شناسی علمی)؛ چهارم، مطالعه بزه‌دیدگی واقعی و از حیث اطلاعات مورد توجه در فرآیندهای پلیس علمی و پزشکی قانونی با هدف حمایت از بزه‌دیدگان (بزه‌دیده‌شناسی قانونی).

۳- مبانی بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه قتل

مبانی حاکم بر بزه‌دیده‌شناسی در بزه‌های قتل در حقوق ایران و آمریکا می‌توان از ابعاد مختلفی مورد بحث و مطالعه قرار داد. به‌عنوان مثال در حقوق ایران، بزه‌دیده‌شناسی از منظر کشف حقیقت یا اثبات بزهکاری، تسریع و تسهیل فرآیند رسیدگی و پیشگیری از فساد در فرآیند رسیدگی و در حقوق آمریکا از دو

در حقوق آمریکا بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه قتل از جایگاه بسیار بالایی در سیاست جنایی این کشور برخوردار است. به طور عمده، حقوق دانان و قانون‌گذار این کشور در واکنش به بزه قتل، یک سیاست پیشگیرانه را برگزیده‌اند که سعی شده است وقوع این بزه را در جامعه کاهش یا لااقل به حداقل برساند. بنابراین با مشاهده این سیاست‌ها می‌توان به این موضوع نائل آمد که مبانی بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه قتل در این کشور، از چنان اهمیتی برخوردار است که در اعلامیه اصول پایه در بند آخر ماده ۶ به دولت‌های عضو توصیه شده است با به‌کارگیری شیوه‌های قضایی و اجرایی در جهت پرهیز از تأخیر غیرضروری در رسیدگی‌ها به دعاوی کیفری و اجرای دستورات مقتضی اقدامات لازم را انجام دهند. همچنین دستورالعمل CVRA نیز در بند ۷ بخش A به این حق بزه‌دیده توجه خاصی کرده است. علاوه بر این، قانون‌گذار ایرانی یکی دیگر از مبانی حاکم بر بزه‌دیده‌شناسی قضایی را پیشگیری از فساد و تباهی در فرآیند رسیدگی‌های کیفری لحاظ کرده است که در مقررات مختلفی به این مهم پرداخته است.

بنابراین باید چنین پنداشت که در حقوق آمریکا، مسأله بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه قتل دو موضوع کلی و عمده کشف دلایل و حمایت از بزه‌دیده خلاصه می‌شود. در نظام عدالت کیفری آمریکا، کشف حقیقت با توسل به دلایل علمی احراز بزه به‌صورت قانونی است و به‌عنوان مهم‌ترین مبانی حاکم بر بزه‌دیده‌شناسی قضایی نیز معرفی شده است.

در فرهنگ جنایی این کشور، دلیل عبارت از هر نوع مدرکی، مانند اسناد و موارد دیگر که دال بر اثبات موضوعی که به صورت قانونی از سوی اصحاب دعوا یا شهود به‌منظور متقاعدکردن دادگاه یا هیأت منصفه ارائه می‌شود، اطلاق می‌گردد، اما نباید این نکته مهم فراموش گردد که در حقوق آمریکا باتوجه به اصل بودن برائت در دعاوی کیفری، بار اثبات مجرمیت متهم برعهده دادستان است و در دعاوی عمومی، طرف اصلی متهم، دادستان محسوب می‌گردد. همچنین در این راستا، در حقوق این کشور، در پاسداشت حقوق متهم در بزه‌های کلان مانند قتل به‌منظور تضمین رعایت مقررات و ضابط، ضمانت اجرایی در نظر گرفته شده است که گاهی حمایت از

می‌آید. در این زمینه قانون‌گذار اسلامی از جهات مختلفی این مسأله را مورد تصریح قرار داده است، ازجمله نحوه احضار شاهد و مطلع (مواد ۲۰۵ تا ۲۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری) تعیین وظایف شاکی در رابطه با شهادت شهود در جرایم قابل گذشت، ایجاد تحول در جرم و تعدیل شهود (مواد ۱۹۱، ۱۹۵ و ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی) اعطای اعتبار بالا به علم قاضی در راستای کشف حقیقت (مواد ۲۱۴ الی ۲۱۴ قانون مجازات اسلامی) خصوصاً در بزه‌هایی که مستوجب مجازات مرگ می‌باشند (مانند تجاوز) یا در برخی موارد مربوط به بزه قتل. همچنین اعطای اعتبار خاص به گزارش‌های موثق ضابطان قضایی. با این مشخصه که در پاره‌ای موارد این گزارش فراتر از اظهار نظرهای معمولی و عادی تلقی شده و بیشتر جنبه تخصصی و فنی دارند. همچنین در برخی موارد این گزارش مبنای اظهار نظرهای کارشناسان جنایی و مؤثر در فرآیند رسیدگی‌های قضایی به‌نحو گسترده‌ای قرار می‌گیرند. همچنین قانون‌گذار اسلامی در راستای بزه‌دیده‌شناسی در بزه قتل در راستای اثبات و احراز بزه‌دیدگی به‌نحو فرآیندهای به معاینه صحنه جرم و گواهی پزشکی قانونی توجه ویژه‌ای کرده است. به‌عنوان مثال قانون‌گذار اسلامی در سال ۱۳۹۲ با تبیین ضابطه ای، انجام کار نوعاً کشنده را بدون نیاز به احراز قصد کشتن، قتل عمد دانسته است. فعل نوعاً کشنده نیز یعنی انجام عملی به‌نحوی که برای افراد انسانی نتیجه‌ای جز مرگ به ارمغان نداشته باشد. مرجع تشخیص نوعاً کشنده‌بودن عمل نیز بی تردید در اینجا پزشکی قانونی است، اما باید دانست که پزشکی قانونی نظر به رکن مادی بزه دارد و توجهی به عنصر روانی فاعل (قاتل) ندارد. به دیگر سخن پزشکی قانونی تعیین می‌کند که انجام آن عمل در نوع انسان‌ها نتیجه مرگ را به‌دنبال دارد یا خیر.

از دیگر مباحث مربوط به کشف حقیقت در بزه قتل در بزه‌دیده‌شناسی، مسأله آثار کشف حقیقت در اثبات بزهکاری است که صدور حکم محکومیت (زمانی که قتل در مرجع قضایی به اثبات می‌رسد) و تسریع و تسهیل در فرآیند رسیدگی است که مطابق آن بزه‌دیده حق دارد که جلسات رسیدگی دادگاه را به سرعت و بدون تأخیر و اطاله درخواست کند (البته این خانواده مقتول هستند که متقاضی این درخواست هستند).

بزه قتل نمایند. این رویه در حقوق آمریکا، امروزه سبب شده است که خانواده‌های افراد مقتول (در بزه قتل) با درد و رنج به مراتب کمتری مواجه شوند (باتوجه به نوع و ماهیت جرایم موصوف) (زینالی، ۱۳۹۳: ۱۳۷۳/۲-۱۳۷۱).

۴- قلمروی بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه قتل

در بحث قلمروی بزه‌دیده‌شناسی قضایی بزه قتل، در حقوق ایران به‌مانند حقوق آمریکا بزه‌دیده‌شناسی قضایی هم در قوانین و مقررات و هم در رویه قضایی قابل مشاهده است. از جمله مقرراتی که به قلمروی بزه‌دیده‌شناسی قضایی اشاره کرده‌اند، می‌توان به قانون آیین دادرسی کیفری در مسائل چون جبران ضرر وارده و احقاق حقوق بزه‌دیده (پرداخت دیه، خسارت و گاهی قصاص نفس در بزه قتل) که شامل خسارات مادی، معنوی و ممکن‌الحصول می‌شود؛ پرداختن به مسأله نقش بزه‌دیده در بزه قتل در صدور قرارها در مرحله تحقیقات مقدماتی (مانند قرار مجرمیت و قرار منع تعقیب)، تبیین اصول حاکم بر بزه‌دیده‌شناسی قضایی به‌شکل پراکنده در این قانون مانند اصل تسریع در تحقیقات مقدماتی در بزه قتل، اصل رعایت حقوق شهروندی در رسیدگی به این بزه، اصل داشتن وکیل در رسیدگی به جرایم موصوف، اصل سری بودن دادرسی در قتل و همچنین اصل غیرعلنی بودن دادرسی در این نوع بزه. همچنین قانون مجازات اسلامی در سه مورد به این مهم اشاره کرده است: نخست، تحصیل دلیل قانونی؛ دوم، مجازات مرتکبان قتل که به‌طور معمول بسیار سختگیرانه هستند؛ سوم، اصول حاکم بر بزه‌دیده‌شناسی قضایی در این جرایم که شامل اصل قانونمندی جرم (شامل اصل قانونی بودن مجازات و اصل قانونی بودن دادرسی) و اصل تحصیل دلیل مشروع و قانونی در بزه قتل است. علاوه بر این، قانون‌گذار اسلامی در مقررات دیگری به‌نحو پراکنده و گاهی نیز هدفمند به بزه‌دیده‌شناسی قضایی اشاره کرده است، از جمله می‌توان به قانون پیشگیری از جرم، دستورالعمل نحوه تعامل مشارکت و تعامل نهادهای مردمی با قوه قضاییه، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و آیین نامه میانجی‌گری در امور کیفری اشاره کرد که هر یک به نوعی در این راستا به برنامه‌هایی پرداخته‌اند.

بزه‌دیدگان را کمتر یا کم‌اهمیت جلوه می‌کنند، مانند ضمانت اجرای پیش‌بینی‌شده در بی‌اعتباری تحقیقات و در نتیجه، عدم پذیرش دلیل ارائه‌شده توسط بزه‌دیده یا خانواده و نزدیکان وی که به‌شکل غیرقانونی تحصیل و ارائه شده است.

با این حال به‌نظر نمی‌رسد باید چنین قائل بود که قانون‌گذار آمریکایی دست از بزه‌دیده‌شناسی قضایی و حمایت از بزه‌دیدگان در بزه قتل شسته و به نوعی در فکر حمایت از متهم یا اثبات بی‌گناهی وی می‌باشد، بلکه تمایل بر این داشته است که کشف این جرایم و اثبات آن‌ها در دادگاه‌ها به‌شکل واقعی و منطبق با انصاف و عدالت کیفری باشد، زیرا رد دلیل غیرقانونی واقعاً نمی‌تواند مصداق بی‌توجهی یا کم‌توجهی به بزه‌دیده‌ای شود که به قتل رسیده یا مورد تجاوز قرار گرفته است، اما بر این موضوع نیز واقف بوده است جمع‌آوری دلایل در انطباق با قانون و منطبق با واقعیت‌ها باشد. به این منظور، قانون‌گذار آمریکایی تا آنجا سختگیرانه عمل کرده است که هرگاه مأموران کشف جرم یا مقامات قضایی در اعطای اعتبار به دلایل غیرعلمی و غیرواقعی ترتیب اثر دهند، برای آن‌ها مجازات‌هایی پیش‌بینی کرده است (مؤذن‌زادگان و سهیل مقدم، ۱۳۹۵: ۲۶۴). بدین‌سان، در راستای بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه قتل در حقوق آمریکا، از خانواده و بستگان نزدیک مقتول (قربانی بزه)، حمایت‌هایی صورت می‌گیرد. به‌طور معمول این نوع حمایت‌ها نه‌فقط در حقوق ایالات متحده آمریکا، بلکه در اکثر کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا سابقه دارد که مشخصاً توسط سازمان‌های خصوصی یا مردمی با هدف آشنایی بزه‌دیدگان با حقوق قانونی آن‌ها و کمک به ارتقای سطح کیفی نظام عدالت کیفری فعالیت می‌کنند. بیشتر برنامه‌های این سازمان‌ها در جرایم خشن (خشونت‌آمیز) صورت می‌گیرد که تمایل اصلی آن‌ها معاضدت قضایی، حقوقی، فرهنگی و اجتماعی در راستای تسکین آلام و رنج‌های روحی بازماندگان مقتول در بزه قتل انجام می‌شود.

واضح است که این برنامه‌ها می‌توانند از بزه‌دیدگان بزه قتل حمایت ارزشمندی نمایند، به‌نحوی که گاهی می‌توانند در صدور تصمیمات کیفری و تسهیل و تکمیل فرآیند دادرسی کیفری در مراجع قضایی کمک شایانی به دادرسان رسیدگی‌کننده به

بزه‌دیده‌شناسی از مسائل اساسی و بنیادین این ساختار تلقی می‌گردد.

در این راستا پلیس، دادستان‌ها و دادرسان دادگاه‌ها در کشف بزهکاری و مجازات بزهکاران تمرکز ویژه‌ای دارند، به‌لحاظ سنتی نیز قوانین و مقررات ناظر بر فرآیند دادرسی کیفری به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که در وهله اول تضمین‌کننده حقوق دفاعی متهم باشند، با این مشخصه که بزه‌دیدگان به‌عنوان جزئی از این فرآیند و در بادی امر به‌عنوان شاهد تلقی می‌شوند.

در دهه‌های گذشته، بزه‌دیدگان و خانواده‌های آن‌ها از تحقیقات کیفری و تصمیمات ناشی از آن اطلاع چندانی به‌دست نمی‌آوردند، اما امروزه با گسترش برنامه‌های حمایتی از بزه‌دیدگان خصوصاً در جرایم خشن این سطح خدماتی در حقوق این کشور رو به گسترش بوده است. در این راستا نخستین برنامه‌های حمایت از بزه‌دیدگان دولتی ابتدا در سال ۱۹۷۲ (برنامه کارول ویترو) و سپس در سال ۱۹۷۴ در دادستانی میلوآکی و بروکلین با عنوان اداره مساعدت اجرای قانون با هدف مطالعه و تأمین مالی اقدامات پیشگیرانه از بزهکاری تأسیس شد. گاهی نیز پس از ارتکاب بزه قتل که به خانواده مقتول تألم و رنج زیادی وارد می‌شود، ممکن است آن‌ها در معرض فشار مالی ناشی از صدمات جسمی و آسیب‌های روحی و عاطفی قرار گیرند.

در این حالت، این بزه‌دیدگان نیازمند رسیدگی اجتماعی، فرهنگی و عاطفی و درمان صدمات و جراحات ناشی از ضربه جسمی یا عاطفی خواهند بود که در حقوق آمریکا مورد تأکید گسترده قرار گرفته است، از جمله سیاست‌های تقنینی آمریکا که این مهم را پیش‌بینی کرده است، رهنمودهای تعیین‌شده فدرال آمریکا به سال ۱۹۹۰ است. علاوه بر این، رویه قضایی آمریکا همواره بر این موضوع در بزه‌دیده‌شناسی قضایی بزه قتل تأکید دارد که دلایل مربوط به تأثیر جرم بر بزه‌دیده مانند «پرونده بوث علیه مریلند (The Case of Booth v. Maryland)» که در این پرونده دیوان عالی ایالات متحده رأی داد که توجه به ادله مربوط به تحصیل جرم بر بزه‌دیده، اعم از بزه‌دیدگان مستقیم و خانواده آنان در مرحله رسیدگی به جرایم مستوجب اعدام مغایر با قانون اساسی است، زیرا تمرکز هیأت منصفه به هنگام ارائه دلایل مربوط به تأثیر جرم بر

در رویه قضایی ایران بزه‌دیده‌شناسی قضایی دو قلمروی عمده را دنبال می‌کند: نخست، در راستای اثبات و احراز ادله علمی پزشکی قانونی؛ دوم، نقش دیوان عالی کشور در بررسی ادله بزه‌های تجاوز و قتل. در مورد اول، دیوان همواره تأکید دارد که دادرسان دادگاه‌ها خود در امور فنی اثبات بزه عمل نکنند و موضوع را به افراد متخصص (پزشکی قانونی و ...) ارجاع دهند (رأی شماره ۲۹۴/۲۹۴۰ مورخ ۱۳۱۹/۰۹/۱۶ شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور)، این اظهار نظر خصوصاً در بزه، چون قتل که نیازمند بسیار گسترده‌ای در مقام اثبات دارد، جلوه عینی و مهم پیدا می‌کنند، زیرا به‌طور معمول برای اثبات بزه قتل تعیین عنصر قصد یا فعل نوعاً کشنده در تعیین نوع قتل اثر مستقیم دارد (آقایی‌نیا، ۱۳۸۷: ۹۲). همچنین گاهی در تعیین نوع وسیله ابراز قتل خصوصاً در مواردی که نظریه پزشکی قانونی ضروری جلوه می‌کند یا نیاز به بررسی صحنه جرم وجود دارد، این درجه از اهمیت که دادرس دادگاه، خود، نباید به‌شکل دقیق و قطعی اظهار نظر کند، تجلی می‌کند. برخی نویسندگان گفته‌اند اگر نظر پزشکی قانونی یا افسران پی‌جو (کارآگاهان و متخصصان صحنه جرم) در این حالت در فرآیند اثبات جرم حضور نداشته باشند، چه‌بسا خون بی‌گناهی پایمال و جنایت کاری از چنگال عدالت و مجازات به ناحق رهایی یابد (غنی‌زاده و علیزاده، ۱۳۹۲: ۱۲۴). بنابراین تعیین علت مرگ در یک پرونده جنایی می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین مرحله در مقام کشف حقیقت، اثبات و احراز بزه و حتی تعیین نوع مجازات (قصاص نفس، دیه و تعزیر) را به‌همراه داشته باشد.

در حقوق آمریکا بزه‌دیده‌شناسی قضایی در بزه قتل جلوه عینی به مراتب مشخص‌تری نسبت به حقوق ایران دارد. در حقوق این کشور بزه‌دیده‌شناسی قضایی نه‌فقط در مقام کشف علمی جرایم، اثبات بزه، تشکیل پرونده شخصیت برای بزه‌دیده، بلکه اعمال حمایت از بزه‌دیده در مقابل خطرات، آسیب‌ها و رویدادهای بعدی ناشی از بزه ارتكابی است. به‌عنوان نمونه در حقوق آمریکا به‌طور معمول به بزهکاری به‌مثابه اقدام علیه دولت نگریسته می‌شود. این بدان‌معناست که ساختار نظام عدالت کیفری به‌گونه‌ای است که نقش بزه‌دیده در نگاه اول به شکل حاشیه‌ای و فرعی قلمداد می‌شود. با این وجود، مسأله

آن‌ها بسیار دشوار توصیف می‌شود. همچنین در حقوق این کشور، بزه‌دیدة شناسی قضایی در بزه قتل از اهمیت و جایگاه بالایی برخوردار است، زیرا به لحاظ سنتی در حقوق این کشور، قوانین کیفری و فرایند دادرسی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که قبلاً حامی حقوق متهم بوده‌اند، ولی امروزه باور عمومی این است که بزه‌دیدگان نیز نیازمند حمایت قانونی و داراشدن حقوق برابر با متهمان هستند، شاید به این دلیل باشد که ارتکاب برخی بزه‌های سنگین مانند قتل به مثابه ارتکاب جرم علیه دولت تلقی می‌شود و در این فرض، این وظیفه دادستان‌ها و دادرسان دادگاه‌ها است که بر کشف جرم، دستگیری و مجازات بزهکاران تمرکز کنند، درحالی‌که تا چند دهه قبل بزه‌دیدة در فرآیند رسیدگی کیفری، کشف حقیقت و اثبات بزه، دارای نقش فرعی و حاشیه‌ای بوده است، بدین معنا که بسیاری بزه‌ها به عنصر تقصیر و نقش بزه‌دیدة توجه ویژه‌ای می‌شد و در این رهگذر متهمان با نوعی حمایت نانوشته خود را از چنگال عدالت می‌رسانیدند، درحالی‌که امروزه این موازنه در اکثر بزهکاری‌ها به سود بزه‌دیدگان گرایش پیدا کرده است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده اول به عنوان نویسنده اصلی است.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- آرفو، واین (۱۳۸۳). *قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا*، ترجمه حسین آقایی نیا، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام دار.

بزه‌دیدة از متهم به بزه‌دیدة انتقال یافته و در نتیجه، تصمیم بر تحمیل مجازات مرگ می‌تواند خودسرانه و بی‌مبنایی حکم دادگاه باشد.

در پرونده مشابه دیگری دیوان با تغییر هیأت چنین موضع گرفت که توجه به دلایل مربوط به تأثیر جرم بر بزه‌دیدة در محکومیت‌های اعدام مغایر با قانون اساسی این کشور نیست. این باور بر پیوند مستقیم میزان خسارت به خانواده‌های بزه‌دیدگان در بزه قتل و مجازات متهمان چنین بزه‌هایی تمرکز دارد که امروزه در آمریکا طرفداران بسیاری دارد. بر این مبنا پشتیبانی همگانی نیرومند از حقوق بزه‌دیدگان بزه قتل در برنامه‌های سیاستی این کشور در این چند دهه جایگاه گسترده‌ای پیدا کرده‌اند، چنین تجلی کرده‌اند که دیوان عالی فدرال با اعاده از مواضع پیشین خود بر حمایت از بزه‌دیدگان این جرایم اتخاذ موضع نماید. این دیدگاه سبب شده است که دادگاه‌ها نیز هم‌سو با دیوان عالی فدرال اتخاذ موضع کنند (جلالی فراهانی، ۱۳۹۳: ۷۲۹-۷۲۸).

نتیجه‌گیری

در هر دو نظام مورد مطالعه با وجود اختلاف در نوع و کیفیت حمایت از بزه‌دیدگان، بزه‌دیدة شناسی قضایی به دنبال مطالعه قانونمند بزه‌دیدگان، سرنگ‌دهی به مسائل مرتبط با پلیس علمی و تحقیق راجع به چگونگی رخ‌دادن بزه است؛ با این تفاوت که در حقوق آمریکا به مسأله حمایت از بزه‌دیدة توجه ویژه‌ای شده است. این حمایت‌ها در حقوق ایران به‌طور مؤثری صورت نمی‌گیرد. با این وجود در برخی مشخصه‌ها میان مقررات اشتراک مبنایی وجود دارد، مانند حق حضور بزه‌دیدة در جلسات دادرسی، حق مطالبه خسارت ناشی از جرم، حق رفتار کرامت‌مدار و قلمروی بزه‌دیدة شناسی در بزه قتل در هر دو نظام مورد مطالعه نشأت‌گرفته از قوانین با صبغه جنایی است. به‌عنوان مثال در حقوق ایران بحث جبران ضررهای وارده به بزه‌دیدة به‌طور مصرح در قانون آیین دادرسی کیفری است که ارتباط مستقیم با اصول دادرسی کیفری دارد. در حقوق آمریکا این تمهیدات نمود بیشتری پیدا کرده‌اند، از جمله حمایت‌های قانونی از خانواده‌های قربانیان بزه قتل که از منظر حقوق‌دانان آمریکایی با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند و درمان صدمات روحی

- اسمپ، جان ام (۱۳۸۳). *حقوق جزای آمریکا*. ترجمه امیر سماواتی پیروز، چاپ اول، تهران: نشر آریان.
- آقای‌نیا، حسین (۱۳۸۷). *جرایم علیه اشخاص*. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.
- پاک‌روش، کبری (۱۳۸۷). «بزه‌دیده‌شناسی؛ رویکردی جدید به بزه‌دیده»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ۳۱: ۵۱-۶۸.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۹۳). *پرونده‌های قضایی مهم مرتبط با حقوق بزه‌دیده در محاکم فدرال ایالات متحده*، در *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*، جلد اول، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- حومد، عبدالوهاب (۱۹۷۵). *شرح قانون الجزاء الكويتی*. کویت: مطبعه جامعه الكويت.
- خداخواه، نسیم (۱۳۹۷). «حقوق بزه‌دیده و متهم در دیوان کیفری بین‌المللی». *فصلنامه داخلی کانون وکلای دادگستری*، ۱۷: ۱۴۹-۱۶۶.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*. چاپ اول، دمشق: دارالعلم الشامیه.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). *بزه‌دیده در فرآیند کیفری*. چاپ سوم، تهران: انتشارات خط سوم.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۵). «بزه‌دیدگان؛ حقوق و حمایت‌های بایسته». *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، ۱۹: ۱۱۷-۱۳۹.
- زراعت، عباس (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی ۱ و ۲ براساس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲*. جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات جاودانه (جنگل).
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۹۳). *برنامه‌های حمایت از بزه‌دیدگان در ایالات متحده آمریکا*، در *دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم*، جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- سیگل، لاری جی (۱۳۸۵). *بزه‌دیده‌شناسی*. ترجمه یاشار سیف‌اللهی، چاپ اول، تهران: نشر دفتر تحقیقات پلیس آگاهی ناجا.
- شیخ‌الاسلامی، عباس و شاهیده، فرهاد (۱۳۹۷). «رویکرد بزه‌دیده‌شناسی قضایی نسبت به بزه‌دیده جنسی زنان (با نگاهی به قوانین کیفری و رویه قضایی)». *فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۹(۲): ۲۱۱-۲۳۲.
- شیری، عباس (۱۳۸۸). *رفتار کرامت مدار با بزه‌دیده؛ اعطای اختیار در مرحله تحقیق و تعقیب*، در *کتاب «تازه‌های علوم جنایی» (مجموعه مقاله‌ها)*. زیر نظر دکتر علی حسین نجفی برن‌آبادی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- شیری، عباس (۱۳۹۷). «بزه‌دیده‌شناسی قضایی (قانونی)». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، ۲۱(۸۴): ۲۱۵-۲۴۲.
- شیری، عباس (۱۳۹۷). «حق بزه‌دیده در تعیین کیفر و نحوه اجرای آن». *فصلنامه علمی پژوهشی دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۸۱: ۷۷-۱۰۵.
- شیری، عباس (۱۳۹۷). «نقش و جایگاه بزه‌دیده در حقوق تحقیقات جنایی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۶(۲۳): ۱۱۳-۱۴۳.
- شیری، عباس (۱۳۹۸). *تاریخ تحولات واژه شناختی و علمی بزه‌دیده‌شناسی در ایران، دایره المعارف علوم جنایی*. کتاب چهارم (علوم جنایی تجربی) زیر نظر دکتر علی حسین نجفی ابرن‌آبادی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- عزیززی، علیرضا؛ لپز، ژرار و ژینا، فیلیزولا (۱۳۹۸). «پیشینه و مبانی حمایت از بزه‌دیده و متهم در فرآیند دادرسی کیفری». *فصلنامه حقوقی گواه*، ۱۴: ۱۱۳-۱۴۲.

- غنی‌زاده، سامان و علیزاده، اکبر (۱۳۹۲). «نقش پزشکی قانونی در کشف پرونده‌های قتل عمد». *مجله کارآگاه*، ۶(۲۲): ۱۱۲-۱۳۱.

- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۵۵). *گزارش علمی کنفرانس اجرای حقوق کیفر اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرایم*. شماره دوم، تهران: نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی.

- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۹). *حقوق جزای عمومی ایران، با اصلاحات قانون کاهش مجازات حبس تعزیری*. جلد اول، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. جلد نهم، چاپ اول، تهران: نشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و سهیل مقدم، سحر (۱۳۹۵). «قاعده بطلان دلیل در دادرسی کیفری (با تأکید بر حقوق آمریکا)». *فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۲: ۲۴۳-۲۶۷.

- موسوی خمینی، سیدروح‌اله (۱۳۹۰). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، چاپ اول، قم: مکتبه العلمیه الاسلامیه.

- هاشمی، سیدمیثم (۱۳۸۷). «تحولات نوین حقوق بزه‌دیدگان در آمریکا در پرتو قانون حقوق بزه‌دیده». *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم*، ۳(۷): ۵۸-۱۱۸.

ب. منابع انگلیسی

- Boeckmann, RJ (2002). "Turpin-Petrosino, Carolyn". Understanding the Harm of Hate Crime". *Journal of Social Issues*, 58(2).

- Turvey, EB & Petherick, W (2009). *Forensic Victimology, Examining Violent Crime Victims in Investigative and Legal Contexts*. Academic Press in an imprint of Elsevier.